

متن پرسش

متنی نوشتم درباره حوادث اخیر. نظر مبارکتان را می‌خواستم. حضور در عالمی دیگر علی‌جلالی در عالم تخصص‌ها هر کاری را به اهلش می‌سپارند و جنگ هم متخصصان خود را می‌طلبد. بسیاری از مردم ایران که خود را محروم از حضور در میدان جنگ می‌دیدند و کار جنگ را به اهلش وا گذاشته بودند، اکنون میدانی برای حضور در این جهاد مقدس یافته‌اند. جهادی که در خیابان‌ها و میدان‌های شهر رقم می‌خورد چون دشمن میدان جنگ را در خیابان‌ها قرار داده. شاید این مکر خدا بوده که دشمن به میدانی طمع کند که اتفاقاً عرصه را برای حضور یکایک مردم باز می‌کند. مردان و زنان و نوجوانانی که هرشب پرچم مبارزه در دست، خود را در لشکر سپاه اسلام می‌یابند و روزها به ظاهر به کار تخصصی خود مشغول می‌شوند ولی در دل‌هایشان شوری است که آنان را به کاری دیگر در زمانی دیگر فرامی‌خواند. به حضور در میدان در دل شب. انگار محلی برای کار حقیقی یافته‌اند. این مردم تخصصشان در میدان بودن است! با این شور شبانه، وقتی روز هنگام به کار خود برمی‌گردند، در کارشان معنایی دیگر می‌یابند و آن شور جهاد به تخصص‌هایشان رنگ دیگری می‌زند. گویی دل، معنابخش و راهبر دست می‌شود! و دست، عادت روزمره را وامی‌نهد و پی‌خواست دل می‌رود. به‌ظاهر همان کار روزانه را انجام می‌دهد ولی این بار با دلی بیدار! و شاید قدمی پیش‌تر رود و میدان کار روزانه را همان میدان جهاد شبانه ببیند و همین کار عادی را جهادگونه انجام دهد. اما دوستان! انگار عالم امروز با عالم گذشته فرق کرده‌است. بعد از ده اسفند انگار همه نسبت‌های ما تغییر کرده و به دنیای دیگری پا گذاشته‌ایم. شاید سال‌هاست که مقدمات این عالم جدید فراهم شده ولی من این چند روز بیشتر حسش می‌کنم. ما روزها در عالم دیروز به سر می‌بریم و شبها به عالم امروز سفر می‌کنیم. برخی‌ها میان دو دنیای متفاوتیم. علایق عالم دیروز و شور عالم امروز را توأمان می‌خواهیم. ما درحقیقت به دنبال یافتن خودیم در میان این دو عالم. هنوز از آن عالم نبریده‌ایم و به یکباره در عالم جدیدمان خانه نگرفته‌ایم که ساکن و برقرار باشیم. شاید بخشی از بی‌قراری‌هایمان از این سرگشتگی میان دو عالم است. ما تا خود را در فراق آن عالم نو حس نکنیم، بیهوده بر تخته‌پاره‌های عالم گذشته خود چنگ می‌زنیم. دوستان! گویی محبوبی زیبارو که سالها انتظارش را می‌کشیدیم در عالم جدید رخ نمایانده، وقت آن نرسیده که عزمی در ما پیدا شود تا به سوی آن معشوق نقل مکان کنیم؟ مایه خوشدلی آن جاست که دلدار آن جاست می‌کنم جهد که خود را مگر آن جا فکنم حافظ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحمدالله همان طور که می فرمایید و پرسشگر سوال شماره ۴۱۳۹۰ فرموده اند، افقی بزرگ در مقابل ما گشوده شده و همچنان که در پرسش و پاسخ شماره ۴۱۳۷۵ عرض شد، مهم آن است که متوجه جایگاه این حضور به عنوان خودآگاهی به این حضور باشیم که در واقع یک عنایت خاص الهی می باشد؛ عنایتی که خداوند قلب های این مردم را در برگرفته تا آنچه که باید در راستای نابودی ابرقدرت ها در این تاریخ اعمال کند، توسط این مردم انجام شود و غفلت از این خودآگاهی خطر ریزش ها را پیش می آورد در حالی که می توانیم همچون شعله ای آتش با نظر به اراده الهی همچنان شعله ور بمانیم. موفق باشید